

بررسی چالش نظری و تبیین انگاره اکوتوریسم شهری

حمیدرضا صباغی^{۱*}، منوچهر طبیبیان^۲

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، گروه شهرسازی، قزوین

tabibian@ut.ac.ir

۲. استاد دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۹/۸

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۳/۲/۱۶

چکیده

هدف این مقاله تبیین نظری انگاره اکوتوریسم شهری از طریق بررسی مباحث نظری توسعه پایدار و ریشه‌های شکل‌گیری مفهوم اکوتوریسم است. همچنین، این مقاله درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که تا چه میزان مفهوم اکوتوریسم قابلیت تطابق با محیط‌های شهری (محیط انسان‌ساخت) را دارد؟ گروهی از اندیشمندان حوزه طبیعت‌گردی، واژه ترکیبی «اکوتوریسم شهری» را، در تضاد و مخالفت با اصول بنیادین معنای اکوتوریسم می‌دانند. از طرف دیگر، گروهی درصددند که با بحث نظری‌ای که بیشتر متکی بر پروژه اجرایی است، ثابت کنند که مفهوم «اکوتوریسم شهری» راهبرد نوین در خصوص شهرهاست و لذا اکوتوریسم، در معنای بنیادین را «اکوتوریسم سنتی» می‌نامند. از این رو در این مقاله ضمن بررسی چرایی شکل‌گیری تفکر توسعه پایدار و قوام یافتن واژه اکوتوریسم از دل تحولات قرن بیستم میلادی در حوزه گردشگری، اصول بنیادین اکوتوریسم از دل متون اندیشمندان پس از دهه پنجاه در این حوزه استخراج شده است. این کنکاش در واقع، وراى بیان معنای اکوتوریسم است. به عبارت دیگر، هدف این مقاله مطالعه در ادبیات و انگاره^۱ اصلی شکل‌گیری واژه اکوتوریسم (نه صرفاً بیان معنای آن) با روش مقایسه‌ای-تحلیلی و بیان چرایی شکل‌گیری ادبیات اکوتوریسم شهری و تدوین انگاره آن است. از این رو با تدوین سیر تحول مباحث نظری در خصوص دو واژه اکوتوریسم سنتی و شهری بر خلاف مقالات سایر صاحب‌نظران که مبتنی بر نمونه موردی بحث کرده‌اند، نوآوری این مقاله در تدقیق و تعریف معنای واژه اکوتوریسم شهری و تدوین انگاره آن صرفاً از طریق بیان مباحث نظری مربوطه است.

کلیدواژه

اکوتوریسم شهری، اکولوژی شهری، اقتصاد شهری، برنامه‌ریزی گردشگری، توسعه پایدار گردشگری.

۱. سرآغاز

می‌شود (Harding, 1998). با رشد و توسعه صنعت گردشگری در دهه ۱۹۶۰ به بعد، اهمیت حفاظت و حمایت از منابع طبیعی به‌منزله نگاه ضروری خود را نشان داد. به گونه‌ای که اولین سرچشمه‌های اکوتوریسم را در ادبیات گردشگری دهه ۶۰ مشاهده می‌کنیم. لذا ابتدا با تشریح این ادبیات سعی در یافتن معنای واقعی واژگان اکوتوریسم و توسعه پایدار مبتنی بر این واژه داریم. اهمیت این مرور تاریخی در تبیین فرضیه این تحقیق مؤثر خواهد بود.

مرور بر ادبیات شکل‌گیری اکوتوریسم مستلزم دقت به تحولات توسعه گردشگری طی نیم قرن گذشته است. باید در نظر داشت که نگاه به پایداری در فعالیت‌های بشر ایده جدیدی نیست و برای مثال دقت در استفاده از مصالح و جهت‌گیری بناها، در شهرهای سنتی ایران بیانگر مباحث پایداری به لحاظ انرژی و مصالح است. اما ریشه‌های ادبیات کلاسیک پایداری در مفهوم «محدودیت در توسعه»^۲ است و در گفتگوهای دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به خوبی دیده

۲. مروری بر ادبیات توسعه گردشگری و شکل گیری مفهوم پایداری در آن

پس از جنگ جهانی و نیاز جهان به رونق بازار مالی، توسعه گردشگری از بهترین روش‌های ارتقای بازار^۳ به حساب آمد. گنز در این خصوص می‌گوید: «در این دوران (پس از جنگ جهانی دوم) برنامه‌ریزی گردشگری رشد و نمو یافت، رشدی که با حجم انبوهی از ایده‌های اقتصادی و بازاریابی روبه‌رو شد که عملاً این ایده‌ها بر برنامه‌ریزی برای گردشگری چیره شد» (Getz, 1987). به عبارت دیگر، هدف فدای وسیله شد و عملاً حجم بالایی توسعه‌های عمرانی برای جذب گردشگران، نوعی توسعه را پدید آورد که گنز از آن با عنوان «جنبش زیاده‌خواهی»^۴ نام می‌برد. جان کلام این نوع تفکر توسعه، عبارت «زیاد بهترین است»^۵ بود (Wisansing, 2005)، به این معنا که همه چیز را می‌توان برای هدف توسعه هزینه کرد. در نظر گنز (همان) برنامه‌ریزی برای بوستریسم در واقع به هیچ عنوان برنامه‌ریزی نبود، لذا در این تفکر مدل «گردشگری انبوه»^۶ بهترین ایده توسعه برای مناطق گردشگری به حساب می‌آمد (Weaver, 2001).

قدم بعدی تحول در صنعت گردشگری، دیدگاه رشد اقتصادی^۷ آن بود که جایگزین توسعه صرف (بوستریسم) شد. به این معنا که فعالان این عرصه، به جای حجم ساخت و ساز بالا، با ابزار بازاریابی^۸ به دنبال منفعت اقتصادی بیشتر بودند. آن‌گونه که ماثیوسن و وال (Mathieson & Wall, 1982) درباره آن بحث می‌کنند، امروزه نیز بازاریابی همچنان از پیچیده‌ترین ابزارهای توسعه گردشگری است و روش آن در نظر داشتن و فهم رفتار و توقعات گردشگران و دسته‌بندی آن‌ها بر اساس نظریه‌های انتخاب محصول^۹ است. با این حال توسعه‌های مختلف حوزه گردشگری در دهه هفتاد میلادی، توزیع نامتعادل درآمد و تأثیرات منفی گردشگری را آشکار کرد و طی یکسری نتایج منطقی، برنامه‌ریزی و توسعه نامتعادل و بعضاً اتفاقی، درس سنگینی (به لحاظ آسیب‌های

وارد) برای مناطق مختلفی که محیط اجتماعی و طبیعی آن‌ها تحت تأثیر گردشگری قرار می‌گرفتند ارائه داد (Wisansing, 2005). با بررسی این تحولات، به برهه‌ای می‌رسیم که «پارادایم رشد»^{۱۰} به‌منزله پرسش اصلی دانش گردشگری مطرح می‌شود. جعفری (Jafari, 1990) از این جنبش فکری با عنوان اشاعه «دیدگاه احتیاطی»^{۱۱} نام می‌برد و همین‌طور گنز (Getz, 1987) در این خصوص بحث و این روش را به‌منزله سنت برنامه‌ریزی فضایی/کالبدی^{۱۲} تلقی می‌کند. افراد دیگری که در این خصوص نقد اساسی ارائه می‌کنند عبارت‌اند از: Doxey (1975)، Smith (1978) و Butler (1980) که نتیجه تمام مباحث آن‌ها پیرامون این موضوع است که توسعه گردشگری چه اثر منفی‌ای می‌تواند در جوامع میزبان بگذارد.

این چالش‌ها و مطالعات طی دهه هشتاد میلادی نیز ادامه دارد و نقدهایی که انجام شده گفتگویی است بین ادبیات بازاریابی و برنامه‌ریزی گردشگری. از این رو «ادبیات بازاریابی تمرکز اصلی‌اش بر این موضوع است که چگونه می‌توان به هر نحوی بر محدودیت‌ها با هدف رشد چیره شد، اما ادبیات برنامه‌ریزی گردشگری، در حالی که نگران روش‌های توسعه و مراحل رشد مقاصد گردشگری است، با هدف دستیابی به میزان منطقی و شکل قابل قبول رشد به ارزیابی منابع در بستر طبیعی و میزان توقع ساکنان محلی از موضوع توسعه، بحث می‌کند» (Wisansing, 2005). در اواخر دهه هشتاد میلادی به علت آسیب‌های شدید محیطی و اجتماعی، نقدهای فراوانی که به مدل گردشگری انبوه ارائه شد، مدل یا ایده «گردشگری نرم»^{۱۳} را به‌منزله الگوی جدید مطرح کرد. یوست کریپندورف (Krippendorf, 1974; 1984; 1985)، منتقد اساسی حوزه اکولوژی گردشگری اولین کسی بود که این واژه را مطرح و آن را تبیین کرد. پس از او رابرت یانک (Jungk, 1980) این واژه را به لحاظ معنی در مقابل با گردشگری سخت^{۱۴} (گردشگری انبوه) قرار داد و آن را به‌منزله مدل

بسیاری از مقاصد خود می‌شود. از این رو در بیانیه «دستور کار ۲۱»^{۱۹} به‌منزله خروجی نشست ریو، سه راهبرد برای دستیابی به «توسعه پایدار»^{۲۰} ارائه شد که هدف آن‌ها هماهنگی بین بخش دولتی، خصوصی و گروه‌های دست‌اندرکار بود (Soleimanpour, 2006). این سه راهبرد در متن نهایی دستورکار ۲۱ قرار نگرفت و لذا به‌رغم پیشنهادها مطرح شده از سوی سازمان جهانی گردشگری^{۲۱} (Savignac, 1992) به‌طور مستقیم به توسعه گردشگری پایدار به‌منزله یک صنعت پیشرو نپرداخت. راهبردهای سه‌گانه، موضوع گردشگری پایدار و گردشگری مبتنی بر طبیعت (طبیعت‌گردی)^{۲۲} حتی به‌منزله یک عملکرد بخشی، در برنامه‌های نه‌گانه خوشه‌ای^{۲۳} کمیسیون توسعه پایدار^{۲۴} که قرار بود طی چند سال پس از اجلاس ریو اجرایی شوند، نیز قرار نگرفت (Soleimanpour, 2006). این در حالی بود که واژه و مفاهیم اولیه گردشگری نرم، طبیعت‌گردی و اکوتوریسم طی این سال‌ها از سوی نظریه‌پردازان ارائه شد و بارها در خصوص آن بحث و تبادل نظر صورت گرفته بود.

پس از اجلاس ریو، عملاً مفهوم و تعاریفی که برای مدل گردشگری نرم ارائه شد، جای خود را به مفهوم توسعه پایدار داد و اینکه توسعه گردشگری پایدار، مستلزم تدقیق نظر نسبت به جامعه، فرهنگ و محیط‌زیست در کنار ضوابط و معیارهای اقتصادی حال و آینده مقاصد گردشگری است. لذا برای اولین بار در کنفرانس باربادوس^{۲۵} موضوع گردشگری و طبیعت‌گردی پایدار به‌منزله یکی از زیرشاخه‌های توسعه پایدار در بیانیه پایانی و برنامه‌های عمل^{۲۶} قرار گرفت و اکوتوریسم و رشد اقتصادی و در نظر داشتن شرایط محیطی به‌منزله شاخصه‌های گردشگری پایدار از سوی بخش‌های مختلف به رسمیت دانسته شد. این رخداد را در واقع می‌توان نقطه آغاز کاربرد رسمی واژه اکوتوریسم در ادبیات توسعه پایدار دانست. مجموعه تحولات مطرح‌شده پس از جنگ جهانی دوم را می‌توان به‌طور خلاصه در جدول ۱ بیان کرد.

جدید (توسعه) قلمداد کرد. در واقع چارچوب بحث «گردشگری نرم» نیز درصدد ایجاد حداکثر تعامل بین اکولوژی و اقتصاد بود و این تعامل را از طریق به‌کارگیری و ارائه گزینه‌های جایگزین توسعه در مناطقی که دارای ساختار ضعیف بودند ایجاد می‌کرد. در واقع «گردشگری نرم» سعی می‌کرد ارزش‌های جدیدی به محیط طبیعی ارائه کند (Christoph et al., 1996).

مباحث پایداری و مطرح‌شدن آن در حوزه گردشگری را می‌توان عکس‌العمل جامعه متخصصان به گزارش برتلند^{۱۵} در موضوع توسعه پایدار دانست که از سوی کمیسیون جهانی توسعه و محیط (WCED)^{۱۶} در سال ۱۹۸۷ مطرح شد. تفکر پایداری در نشست کمیسیون جهانی توسعه و محیط، نگاه به توسعه گردشگری پایدار با این تعریف بود که گردشگری‌ای است که نیازهای تحول‌یافته امروز را پاسخ می‌دهد و خدشه‌ای به توانایی‌ها و نیازهای آینده وارد نمی‌کند (Soleimanpour, 2006). لذا در اولین گزارش این کمیسیون که در خصوص توسعه پایدار با عنوان «آینده مشترک ما»^{۱۷} منتشر شد، توسعه پایدار را به‌منزله نوعی از توسعه تعریف می‌کند که به رفع نیازهای امروز ما می‌پردازد، بدون اینکه از منابعی که برای رفع نیازهای آینده لازم خواهند بود، سوءاستفاده‌ای کند (White, 2003).

تمامی این نقدها و نظریه‌های جدید که تا اوایل دهه نود میلادی ارائه شدند، خیلی زود جای خود را به موضوعات توسعه پایدار اجلاس زمین در ریو^{۱۸} دادند. اجلاس ریو، در سال ۱۹۹۲ را می‌توان آغاز اتحاد جهانی برای این مفهوم دانست که «توسعه یک حق است»، اما برای آن باید به روشی برنامه‌ریزی شود که به‌طور همسان هم نیازهای امروز را برآورده کرد و هم به رفع نیازهای آینده در محیط طبیعی و اجتماعی بینجامد. در این نشست به این نکته توجه شد که گردشگری پدیده‌ای در سطح جهان خواهد بود که مصرف‌کننده اصلی منابع طبیعی و فرهنگی است و موجب تحول اقتصادی-اجتماعی در

جدول ۱. سیر تحول در تفکر، مدل و ابزار گردشگری پس از جنگ جهانی دوم

سال ۲۰۰۰ به بعد	دهه ۱۹۹۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۷۰	پس از WWII و دهه ۱۹۶۰	
توسعه پایدار	دقت به شرایط محیطی به‌منزله شاخص توسعه	تعامل بین اکولوژی و اقتصاد	پارادایم رشد	بوستریسم (زیاد، بهترین است) - دیدگاه رشد اقتصادی	نوع تفکر
گردشگری پایدار	طبیعت‌گردی پایدار گردشگری پایدار توسعه اجتماعی، فرهنگی و طبیعت‌محور در مقیاس خرد	گردشگری نرم به کارگیری توسعه جایگزین در مناطق دارای ساختار ضعیف	دیدگاه احتیاطی برنامه‌ریزی فضایی/کالبدی	گردشگری انبوه بازاریابی در جذب گردشگر توسعه صرفاً عمرانی	مدل گردشگری
آموزش، حفظ طبیعت، رشد بازارها در مقیاس محلی و منطقه‌ای					ابزار توسعه
گونه تخصصی گردشگری در حفظ ساختارهای بومی و زیست‌محیطی علاوه بر تعاریف گذشته		به‌منزله جایگزین گردشگری انبوه در حداقل تأثیرات در محیط، حداکثر احترام به جامعه میزبان، تأمین منافع اقتصادی			جایگاه تفکر اکوتوریسم

توضیح: مرز بین دهه‌ها به معنای شروع و پایان یک دهه نیست، بلکه به معنای تفکر غالب و مجموعه رخدادهایی است که در آن دهه و برهه زمانی در جامعه علمی صورت گرفته است. لذا ممکن است که یک موضوع در قبل از یک دهه شروع شده باشد و بعد از آن ادامه داشته باشد (مأخذ: نگارندگان).

۳. اکوتوریسم چیست؟

پیشینه واژه اکوتوریسم به تعریف هتزر (Hetzler, 1965) برمی‌گردد، او در بازخوانی «مفهوم فرهنگ، آموزش و گردشگری، واژه «گردشگری اکولوژیک»^{۲۷} را مطرح می‌کند». ترکیب این دو واژه، تبیین‌کننده واژه اکوتوریسم است. هتزر چهار شاخص برای متعهدبودن اکوتوریسم ارائه می‌دهد:

- حداقل تأثیر در محیط اجتماعی؛
- حداقل تأثیر و حداکثر احترام گذاشتن به فرهنگ جوامع میزبان؛
- حداکثر منفعت اقتصادی برای گروه‌های داوطلب جوامع میزبان؛
- حداکثر لذت از تفریح برای گردشگران (Grenie et al., 1993).

پس از او راندال (Randall, 1987) تعریفی ارائه می‌دهد و اکوتوریسم را تلاشی می‌داند که هدفش

آگاهی‌یافتن گردشگران نسبت به ارزش‌های محیطی و فرهنگی سرزمینی است که به آن سفر می‌کنند و علاوه بر ارزیابی شاخص‌های محیطی و فرهنگی، کامل‌کننده آن را بازیافت، بهره‌وری انرژی، حفاظت از منابع آبی و ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوامع محلی می‌داند. به‌رغم دقت هتزر و راندال، در تبیین ارکان و تعریف این واژه، اصل معنای اکوتوریسم پس از بروز بحران‌های توسعه تا دهه نود شکل می‌یابد. در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ دو سمپوزیوم بین‌المللی با موضوع اکوتوریسم برگزار می‌شود^{۲۸} که تحلیل‌گران درصددند معنای اکوتوریسم را در آن تبیین کنند. در یکی از این سمپوزیم‌ها کسلر (Kusler, 1991) معنای آن را این‌گونه تبیین می‌کند: اکوتوریسم «به معنای گردشگری‌ای است که اساساً بر مبنای طبیعت و منابع باستان‌شناسی، مانند پرنده‌ها و سایر گونه‌های حیوانی و محوطه‌های علمی و جزایر، غارها، فسیل‌ها، سایت‌های باستانی، مناطق استوایی و محدوده‌هایی که خطر انقراض گونه‌ها را دارند» است.

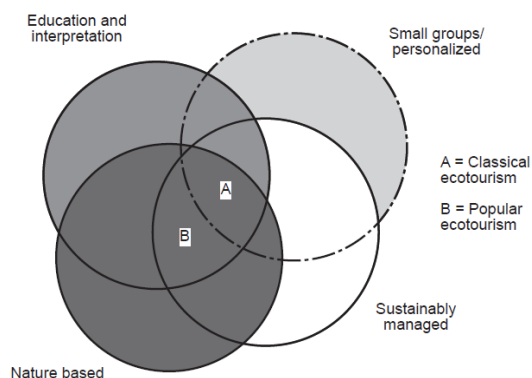
غیردولتی^{۳۱} از سال ۱۹۹۰ در مناطق مختلف انجام شده است. از این رو اکوتوریسم هم بیانگر یک سلسله اصول و روش‌هاست و هم بخشی از بازار گردشگری را دربر دارد. در مقام معنا و تعریف واژه، صحبت‌ها و نظرهای چندین صاحب‌نظر را طی یک سیر تاریخی از دهه ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۲ ارائه دادیم. معنای واژه در این دوره تقریباً در یک فضا تعریف می‌شود، اما به وضوح مشخص است که اندیشمندان اولیه تعاریفشان متأثر از رخدادهای بوستریسم است و از این رو نوعی گردشگری جایگزین را برای آن دنبال می‌کنند. لذا اکوتوریسم از نظر آن‌ها به منزله نوعی گردشگری است که در مرتبه اول حداقل تأثیرات را در محیط داشته باشد و در مراتب بعدی، حداکثر احترام به جامعه میزبان و تأمین منافع اقتصادی آن‌ها را در نظر داشته باشد. این معنا در تعاریف متأخر نیز دیده می‌شود، اما در تعاریف بعد از سال ۱۹۹۰ به وضوح، مناطق طبیعی دست‌نخورده، در تعریف این واژه لحاظ شده‌اند و محل وقوع اکوتوریسم را این بخش از مناطق می‌دانند. شاید دلیل این تغییر، ترس از به خطر افتادن ساختار اجتماعی روستاها و گونه‌های در معرض تهدید جانوری و گیاهی این مناطق باشد و لذا در دهه ۹۰ با تبیین مواضع توسعه پایدار، صاحب‌نظران سعی در تعریف یک گونه کاملاً تخصصی از گردشگری بوده‌اند. یک موضوع پنهان در تعاریف نیز وجود دارد که در لایه اول نظریه‌پردازان به آن اشاره مستقیم نمی‌کنند، اما در واقعیت و عمل، نگاه به اکوتوریسم شامل یک جریان تجربی نیز است. آن‌گونه که بلامی مطرح می‌کند «اکوتوریسم چیزی فراتر از بازدید سایت است، در واقع تجربه‌ای است برای اکوتوریست‌ها و سایرین؛ تجربه‌ای متفاوت با آنچه در «گردشگری انبوه» رخ می‌دهد» (Blamey, 2001) (جدول ۱).

۱.۳. اکوتوریسم به منزله انگاره

برای بحث و بررسی در معنای اکوتوریسم شهری، به نظر می‌رسد باید جستجو را در ورای معنای اکوتوریسم انجام

همین‌طور در آن سمپوزیوم، لاسکورین (Ceballos-Lascurian, 1991) تعبیر بالا را به حضور انسان معاصر در مناطق طبیعی توسعه می‌دهد و می‌گوید: اکوتوریسم «عبارت است از سفر به مناطق دست‌نخورده یا طبیعت آلوده‌نشده (به حضور انسان) با داشتن هدف خاص در این سفر، مثلاً در نظر داشتن آموزش، لذت‌بردن از منظره، حیات وحش و موضوعات فرهنگی‌ای که در گذشته و حال در محدوده مذکور وجود دارد». انجمن بین‌المللی اکوتوریسم^{۲۹} (TIES) در سال ۱۹۹۰ تعریفی این‌چنین برای اکوتوریسم ارائه می‌دهد: «اکوتوریسم سفری مسئولانه به مناطق طبیعی است که در عین حال که به حفاظت و پایداری محیطی منجر می‌شود، باید سبب ارتقای کیفیت معیشت جامعه محلی نیز بشود» (TIES, 1990). در همین زمان والتینو (Valentines, 1991) معنای اکوتوریسم را در ادبیات واژگان زیر جستجو می‌کند: گردشگری هیجانی، گردشگری طبیعت‌محور، گردشگری جایگزین، سفر دوستدار محیط‌زیست، گردشگری سبز، گردشگری پایدار و گردش در طبیعت.

اتحادیه حفاظت جهانی (IUCN)^{۳۰} نیز اکوتوریسم را چنین تعریف می‌کند: «سفر مسئولانه در بازدید مناطق طبیعی دست‌نخورده، با هدف لذت‌بردن و احترام به طبیعت و در نظر داشتن موارد فرهنگی از گذشته تا به امروز که به حفاظت و اثر منفی کم از سوی بازدیدکنندگان منجر شود به طوری که موجب ارتقای وضعیت اجتماعی-اقتصادی جامعه بومی سهمیم در این سفر شود» (IUCN, 1996). از این دوره به بعد به وضوح مشاهده می‌شود که تعاریف واژه اکوتوریسم به طرز جدی بر مناطق طبیعی و بکر و دست‌نخورده، سفر مسئولانه اجتماعی، رشد فردی و پایداری محیطی متمرکز می‌شود. وود (Wood, 2002) در تعریف اکوتوریسم، آن را به منزله یکی از زیرمجموعه‌های طبیعت‌گردی می‌داند. در نظر او، نظام اکوتوریسم بر اساس مطالعات، اقدامات و فعالیت‌های انسجام‌یافته‌ای تنظیم می‌شود که از سوی کانون‌های



شکل ۱. نمودار ابعاد تشکیل‌دهنده انگاره اکوتوریسم طبق نظر بلامی (Blamey, 2001)

وود در این خصوص مطرح می‌کند که تمام برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌های گردشگری و آنچه متعاقب آن اتفاق می‌افتد، همچنین مباحث بازاریابی باید بر اساس ضوابط پایداری محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی بنیان شوند (Wood, 2002). لذا انگاره مبنایی اکوتوریسم را بحث دستیابی به «توسعه پایدار» می‌داند و این‌طور ادامه می‌دهد که مؤلفه‌های تبیین‌کننده اکوتوریسم عبارت‌اند از اینک:

- به حفاظت گونه‌های حیات وحش منجر شود؛
- وضعیت معیشت جامعه بومی را ارتقا دهد؛
- به آموزش تجربی منجر شود؛
- نسبت به گردشگران و صنعت گردشگری پاسخگو باشد؛
- مبنای آن گروه‌های کوچک باشد (مقیاس خرد)؛
- نیازمند حداقل مصرف انرژی‌های برگشت‌ناپذیر باشد؛
- بر مشارکت عملیاتی و اقتصادی جوامع محلی به خصوص جوامع روستایی تأکید کند.

لیپسکام و ثوایتس (Lipscombe & Thwaites, 2001) انگاره اکوتوریسم را در مواردی می‌دانند که آن را از دیگر گرایش‌های گردشگری متمایز می‌کند و آن موارد را به شرح زیر دسته‌بندی می‌کنند:

- تمرکز بر مناطق طبیعی: مناطق عمومی طبیعی،

دهیم و ایده ای را که این واژه اساساً بر مبنای آن شکل گرفته است جستجو کنیم. مرور بر ادبیات توسعه گردشگری پایدار و تعاریف اکوتوریسم نشان می‌دهد که هدف نهایی تمام زیرگروه‌های گردشگری (اعم از اکوتوریسم، گردشگری سلامت^{۲۲}، گردشگری هیجانی^{۳۳}) در تمام زیرشاخه‌های خود، همگی این است که گردشگری پایدار باید به توسعه پایدار با حداقل تأثیرات در محیط بینجامد و کاربرد تفکر پایداری در برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌های گردشگری و زیرشاخه‌ها و بازاریابی آن تماماً باید بر پایداری محیط طبیعی، جامعه، فرهنگ و اقتصاد منطقه مبتنی باشد (Wood, 2002). در طبقه‌بندی‌های طبیعت‌گردی، نظرهای فراوانی در تعریف و تبیین واژگان وجود دارد. مبنایی‌ترین تعاریف در این خصوص متعلق به مباحث اکوتوریسمی است. از این رو که بسیاری از شاخه‌های جدید طبیعت‌گردی در دسته‌بندی کلی اکوتوریسم و گردشگری هیجانی قرار می‌گیرند (همان). افراد مختلفی در خصوص انگاره اکوتوریسم بحث کرده‌اند که از جمله آن‌ها بلامی (Blamey, 2001) است که در مقاله خود ذکر می‌کند که در وهله اول سه مفهوم در اکوتوریسم وجود دارند که آن را در مقابل توسعه‌های بی‌رویه (گردشگری انبوه) قرار می‌دهند:

- بر مبنای طبیعت‌بودن؛
- آموزش از محیط طبیعی و اجتماعی (محیط آموزنده)؛
- مدیریت پایدار.

البته او در شرح نظر خود، شاخص چهارم دیگری را نیز در این معادله وارد می‌کند که عبارت است از کوچک‌مقیاس بودن و فعالیت گروه‌های کوچک و در صورت رعایت مقیاس کوچک، اکوتوریسم را به منزله گزینه جدید در گردشگری می‌داند (گزینه جدید در مقایسه با گردشگری انبوه). (شکل ۱).

توسعه پایدار می‌توان پنج مورد زیر را به‌منزله انگاره اکوتوریسم به حساب آورد:

- «استفاده پایدار از تنوع زیستی و منابع طبیعی؛
- کمینه‌کردن تأثیرات در محیط طبیعی و فرهنگی-اجتماعی (به خصوص درباره تغییرات آب و هوایی، مصرف انرژی و سنت بومی مردم)؛
- توانمندسازی و شکل‌دادن به مشارکت دست‌اندرکاران محلی به خصوص جوامع بومی و مردم محلی؛
- آگاه‌سازی و آموزش محیطی به تمام دست‌اندرکاران (به خصوص مسافران و پذیرایی‌کنندگان)؛
- ارائه سود اقتصادی به تمام کسانی که در پروژه توسعه نقش دارند» (Soleimanpour, 2006).

حال این سؤال پیش می‌آید که چرا به «موضع عمل (محل وقوع)» اکوتوریسم و «کوچک‌مقیاس بودن» آن در این پنج مورد اشاره نشده است؟ این مهم از این رو است که در بین نظریه‌پردازان در خصوص محل وقوع اکوتوریسم شاید اختلاف‌نظری نباشد، اما گفتمان یکسانی هم وجود ندارد. همین‌طور همگی عقیده به مقیاس خرد آن ندارند. بحث محل وقوع اکوتوریسم، در واقع، در اصل تعریف آن تا دهه نود میلادی جای مشخصی ندارد و پس از مباحث نشست ریو، تعاریفی مبنی بر تمرکز بر مناطق طبیعی یا حتی تمرکز بر مناطق بکر و دست‌نخورده را مشاهده می‌کنیم. در عین حال همان‌طور که به اجمال بررسی می‌شود، از اواسط دهه نود میلادی و با ورود به بحث اکوتوریسم شهری اصولاً در محل وقوع آن، به مکان‌های غیربکر طبیعت نیز اشاره می‌شود.

در واقع مقیاس عمل اکوتوریسم و محل وقوع آن مهم‌ترین چالش نظری اکوتوریسم است که توافق عمومی روی آن نیست و نظریه‌پردازان و عمل‌گرایان تجربی این حوزه پیرامون آن بحث‌های انتقادی را مطرح کرده‌اند. این

مناطق حفاظت‌شده که دارای جاذبه زیستی، بوم‌شناختی یا فرهنگی باشند.

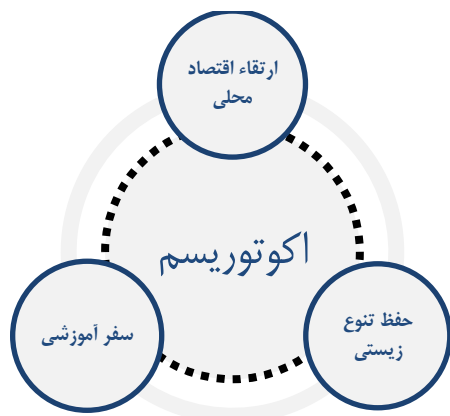
- آموزش و تعلیم: شامل آموزش و تجربه‌کردن در طبیعت و فرهنگ بومی باشد و باید فرهنگ محلی در نگاه و احترام بازدیدکنندگان مؤثر باشد و موجب حفظ و در صورت امکان توسعه ارزش‌های بومی شود.
- مدیریت پایدار سرزمین: ممانعت‌کردن یا به حداقل رساندن تأثیرات منفی و متضمن بازگرداندن منافع گردشگری به جامعه میزبان و محیط باشد.
- منجرشدن به حفاظت: باید به حفاظت سودمند منجر شود. تغییر هنجارهای جامعه میزبان از طریق آموزش و متعاقباً تغییر در اولویت‌های سیاسی و اجتماعی به طوری که حداقل اثر را داشته باشد یا حداقل آثار به خوبی مدیریت شوند.
- سودمندی برای جوامع محلی: از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اشتغال، فرصت‌های کارآفرینی یا تقویت نوعی از فرهنگ بومی که نشانه‌ای برای جامعه میزبان است مؤثر باشد.
- محتوای فرهنگی: کاهش فشارهای فرهنگی و افزایش منافع بومی از طریق مدیریت درست. هایقام و لوک (Higham & Lück, 2002) نیز در مقاله خود در خصوص انگاره اکوتوریسم موارد زیر را مطرح می‌کنند «حفاظت، آموزش، مالکیت بومی، کوچک‌مقیاس بودن، منفعت اقتصادی برای جامعه محلی، ارتباط منابع فرهنگی، کمترین تأثیرات و پایداری» و می‌گویند که اکثر مطالعات بر موارد زیر تأکید دارند: «مشارکت جامعه میزبان، محوطه‌های طبیعی، حداقل تأثیرات، فرهنگ و مقیاس خرد».

با بررسی تمام نظریات مربوط به اکوتوریسم و چارچوب‌های توسعه‌ای سازمان ملل متحد در حوزه

رفتار تمام انسان‌ها در تمام گونه‌های گردشگری، طبیعی است. (پس آنچه در گردشگری انبوه اتفاق می‌افتد لزوماً تخریب نیست و بر مبنای حرکت طبیعی انسان است) (Orams, 2001; Miller & Kaae, 1993). بر اساس این دیدگاه نقضی که آرامس شرح می‌دهد، تفاوتی بین اکوتوریسم و گردشگری انبوه و معنایی برای چرایی شکل‌گیری تفکر اکوتوریسم باقی نمی‌ماند.

همان‌طور که اشاره شد، در خصوص مقیاس (خرد و کلان) و موضع اثر اکوتوریسم (محیط طبیعی) اتفاق نظر وجود ندارد و نقدهای متفاوت از سوی نظریه‌پردازان در این موضوع ارائه شده است. لذا در این مقاله، برای تبیین انگاره اکوتوریسم، از میان ایده‌هایی که به آن‌ها اشاره شده، فصل مشترک مباحث در شکل ۲ نشان داده شده است. به نظر می‌رسد همگی نظریه‌پردازان بر سه موضوع زیر توافق نظر دارند و این سه شاخص را بتوان به منزله انگاره اکوتوریسم مطرح کرد:

۱. حفاظت از محیط طبیعی و تنوع زیستی و کمینه‌کردن تأثیرات ناشی از توسعه و سفر؛
۲. ارتقای وضعیت معیشت جامعه میزبان و مشارکت آن‌ها؛
۳. تجربه‌کردن طی سفرهای آموزشی به لحاظ اکولوژیک و فرهنگی (سفری که به حفظ و ارتقا منجر شود).



شکل ۲. انگاره اکوتوریسم مورد توافق نظریه‌پردازان: مبتنی بر سه دیدگاه اقتصادی، حفظ تنوع زیستی و سفرهای آموزشی (مأخذ: نگارندگان)

چالش همان جایگاهی است که در واقع بحث اکوتوریسم شهری در آن پدیدار می‌شود. در خصوص مقیاس عمل اکوتوریسم، می‌توان به نظریات ویور (Weaver, 2001) اشاره کرد. او مقاله‌ای در این خصوص دارد که مفصلاً به اثبات این فرضیه می‌پردازد و می‌گوید به‌رغم اینکه ظاهراً ارتباط چندانی بین اکوتوریسم و گردشگری انبوه وجود ندارد، اما اکوتوریسم به‌منزله واقعیت و ایده‌آل، منطقی می‌تواند یکی از شاخه‌های گردشگری انبوه به حساب آید و اساساً قابلیت اجرا دارد. وی با نگاه تحلیلی و بحث در خصوص اکوتوریسم سخت و نرم، به این نتیجه می‌رسد که «اکوتوریسم انبوه»^{۳۴} باید به‌منزله یک فرصت اساسی برای به‌کارگیری در مناطق حفاظت‌شده شناخته و مهم شمرده شود و به کار رود.

دیگر نظریه‌پردازان نیز با استدلال‌های منطقی از نظر ایدئولوژی، تفاوتی بین فعالیت اکوتوریسمی و سایر شاخه‌های گردشگری قائل نیستند. در این خصوص نیز می‌توان به نظریات میلر و کائه و شرحی که آرامس به آن اضافه می‌کند اشاره کرد. آن‌ها می‌گویند پارادایم اکوتوریسم بین دو حد (دو قطب) تعریف می‌شود. یک سر این دو قطب این تفکر است که تمام گونه‌های گردشگری (از جمله اکوتوریسم) آثار منفی در طبیعت دارند. به این معنا که فارغ از اینکه چه مدیریتی در سرزمین به کار برده می‌شود، انسان‌ها تأثیرات منفی در آن می‌گذارند. بنابراین، اتفاق افتادن اکوتوریسم (در معنای اصیل آن) در این تفکر غیرممکن است، زیرا گونه‌ای از گردشگری به حساب می‌آید که به هر شکل تأثیر منفی از خود به جای می‌گذارد. در قطب دیگر، به انسان‌ها به‌منزله ارگانیزم زنده^{۳۵} (بخشی از جانوران)^{۳۶} نگاه می‌شود که رفتار آن‌ها ناگزیر «طبیعی» است، زیرا مانند سایر گونه‌های طبیعت جزئی از طبیعت‌اند، پس رفتارشان، طبیعی^{۳۷} است و در دسته فرایند طبیعی^{۳۸} قرار می‌گیرند و لذا قطعاً و منطقی نمی‌توانند غیرطبیعی رفتار کنند. در این دیدگاه هم، تفاوتی بین اکوتوریسم و سایر گونه‌های گردشگری وجود ندارد، زیرا

بازدیدکنندگان) تجربه فعالیت فیزیکی، خلاقیت های ذهنی و انواع اختلاط اجتماعی را ایجاد کند و به سلامت اکولوژیک ساکنان از طریق پیاده روی، دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی و توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار محلی و سرزندگی آنها منجر شود» (Gibson et al., 2003). با دقت در متن این هدف، مشخص است که آنچه این گروه از اکوتوریسم شهری انتظار دارند در واقع پاسخ به همان سه مفهوم مندرج در شکل ۲ است و آن را با وضع موجود شهر تورنتو تطابق داده اند. البته گیسون و همکاران در ادامه مقاله مفصلاً به شرایط شهر تورنتو اشاره و وضعیت اکولوژیک شهر را توصیف می کنند.

قدم بعدی در این موضوع، برگزاری اولین کنفرانس اکوتوریسم شهری در سال ۲۰۰۴ بود که از سوی سازمان غیردولتی Planeta به صورت آنلاین بین فعالان حوزه توسعه پایدار، اکوتوریسم و حفاظت برگزار شد و اندیشمندان این حوزه، ضمن قبول اینکه مراکز شهری به منزله خاستگاه تمدن در شکل گیری جوامع و نمونه های مملو از تلاقی فرهنگها به شمار می روند، به اهمیت اکوتوریسم در تسهیل تحولات فرهنگی، حفاظت محیطی، پایداری و تعادل در توسعه اشاره و طی یک بیانیه، چهار هدف عمده اکوتوریسم شهری را به ترتیب زیر تبیین می کنند:

- بازسازی و حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی از جمله مناظر طبیعی، تنوع زیستی و فرهنگهای بومی؛
- افزایش سود محلی و ترغیب بومیان به صاحب کار بودن، سرمایه گذار بودن و میزبان شدن و راهنمایی گردشگران؛
- آموزش ساکنان محلی و بازدیدکنندگان به رخدادهای محیط، منابع میراثی و پایداری؛
- کاهش آثار منفی در محیط زیست (Planeta, Urban Ecotourism Declaration, 2004).

۲.۳. مفهوم اکوتوریسم شهری چیست؟

همان طور که اشاره شد ایده اکوتوریسم بر مبنای توجه به طبیعت بنا نهاده شده است. نام اکوتوریسم عموماً نام سفرهای سافاری در طبیعت دریاچه ویکتوریا، کوهنوردی در مناطق بکر کلیمانجارو، کاستاریکا، جزایر تایلند و بیشه زارهای بکر را به ذهن متبادر می کند. اما آنچه تجربیات اجرایی و نظریات طی دو دهه اخیر نشان می دهند، حوزه اکوتوریسم وسیع تر از این پهنه صرفاً بکر و طبیعی است و به طوری که مشاهده می کنیم اراضی طبیعی خصوصی و معمولی نیز می توانند هدف سفر اکوتوریسمی باشند. به هر حال ضوابط و معیارهای آن مطابق معیارهای محیطی و حساسیت های فرهنگی تنظیم می شوند (Soleimanpour, 2006).

از دهه ۱۹۹۰ به بعد ورود مفاهیم گردشگری شهری به مفهوم اکوتوریسم را در عمل و نظر مشاهده می کنیم، اما تا چه میزان این مفهوم قابلیت تطابق با محیط های شهری (محیط انسان ساخت) را دارد؟ و در صورت تطابق نحوه و چگونگی آن به چه ترتیب است؟ این مباحث اهمیت این موضوع را نشان می دهد که نسبت معنای اصیل اکوتوریسم (اکوتوریسم سنتی)^{۳۹} با اکوتوریسم شهری در چیست؟ این ها سؤالاتی است که چالش نظری مفهوم اکوتوریسم شهری را بیان می کنند. اولین بار واژه اکوتوریسم شهری، از سوی انجمن گردشگری سبز تورنتو (GTA)^{۴۰} در سال ۱۹۹۶ مطرح شد و این گروه ایده «اکوتوریسم را در محدوده شهر» تورنتو به کار بردند؛ هدف آنها ارائه بیان منافع اقتصادی و اجتماعی از کاربست مفهوم اکوتوریسم برای نیل به گردشگری مبتنی بر طبیعت در شهر بود. در مقاله ای که مسئولان GTA، از فعالیت خود ارائه کرده اند گردشگری سبز شهری (اکوتوریسم شهری) عبارت بود از برنامه ای که «موجبات سفر و کشف و شهود در داخل و پیرامون یک محدوده شهری و امکان لذت بردن و درک ارزش های طبیعت شهر و منابع فرهنگی را به بازدیدکنندگان ارائه دهد. این برنامه باید برای گردشگران

فعالیت‌های صنعتی و تجاری افول کرده یا تخریب شده‌اند، پتانسیل بالایی برای احیا دارند و با اقدامات حفاظتی اکوتوریسمی در آن می‌توان امکان احیای گونه‌های فون و فلور در محل را ایجاد کرد.

■ تأثیرات محیطی اکوتوریسم: در اکثر مناطق طبیعت‌گردی فشارهایی از قبیل فرسایش، آلودگی صوتی و آلودگی هوا به محدوده وارد می‌شود که ناشی از امکانات دسترسی به سایت‌ها و تأمین پارکینگ است. در اکوتوریسم شهری، بر زیرساخت‌های موجود و حمل و نقل عمومی تأکید می‌شود.

■ آموزش: اکثر نظریه‌پردازان این موضوع را بنیان تفاوت اکوتوریسم با سایر گرایش‌های طبیعت‌گردی می‌دانند. این آموزش بیشتر بر بازدیدکنندگان در خصوص اینکه به هدف سفرشان آگاه باشند تمرکز می‌کند. اکوتوریسم در تبدیل رفتار و منش مسافران به یک رفتار حفاظتی و حمایتی مؤثر است و در اکوتوریسم شهری امکان اینکه در حد گسترده‌ای بتوان از این فرصت آموزشی بهره برد وجود دارد.

■ قابلیت مالی: به لحاظ نزدیکی به شهر، قابلیت دسترسی به مناطقی که تحت برنامه‌ریزی اکوتوریسم شهری تعریف می‌شوند طبعاً بیشتر از مناطق دوردست اکولوژیک است (که مورد بحث اکوتوریسم سنتی است). این به معنی دسترسی آسان‌تر، صرف زمان کمتر و کاهش هزینه‌های سفر به دلیل نزدیک‌تر بودن است. در عین حال که در یک دوره تعطیلات کوتاه‌مدت، تورگردان‌ها گروه بزرگ‌تر و قابلیت برنامه‌ریزی بیشتری را در اختیار دارند. البته نباید فراموش کرد که به همین علت باید ضوابط و دستورالعمل‌های محکم‌تری را نیز تدوین کرد.

از این رو طی این بیانیه در شش زمینه ارتباطات و اطلاعات، تنوع زیستی، جوامع، انرژی، تأمین مالی، حمل و نقل نیز پیشنهادهای اجرایی ارائه می‌کنند که البته این پیشنهادهای در سطح سیاست مطرح‌اند. با بررسی سیاست‌های توسعه‌ای مشاهده می‌شود که بیانیه نخستین کنفرانس اکوتوریسم شهری اصولاً بر موضوع مشارکت، آگاهی‌دادن، تبلیغ و برانگیخته‌کردن دست‌اندرکاران و گردشگران تمرکز دارد (همان).

پس از این اتفاقات، مهم‌ترین مقاله تحلیلی اکوتوریسم شهری را می‌توان مقاله هایقام و لوک از دانشگاه اتاگو نیوزلند با عنوان «Urban Ecotourism: A Contradiction in Terms?» دانست. هدف مقاله آن‌ها بررسی توسعه اکوتوریسم در نیوزلند و بیان محدودیت‌هایی است که تعاریف اکوتوریسم برای این قبیل توسعه‌ها دربر دارد. لذا نویسندگان طی بررسی و دسته‌بندی انواع تعاریف اکوتوریسم پس از دهه هشتاد میلادی به بیان اشتراکات و اختلاف‌نظرها می‌پردازند. سپس با بیان سه نمونه اجرایی سعی می‌کنند نشان دهند، توسعه اکوتوریسم در بستر شهری قابلیت اجرا دارد و به‌رغم تناقضات، توانایی بیشتری در تأمین آرمان‌ها و اهداف فعالان اکوتوریسم دارد (Higham & Lück, 2002). نکته مهم نمونه‌هایی که آن‌ها مطرح می‌کنند این است که این ایده لزوماً باید در اراضی‌ای رخ دهد که حسی از طبیعت^۴ دارند و لذا محدوده می‌تواند یک طیف از اراضی کاملاً طبیعی تا مناطقی که دارای درجه‌هایی از محیط طبیعی‌اند (در بستر طبیعت واقع شده‌اند) و پیش‌تر مورد مداخله‌های سنگین انسانی قرار گرفته‌اند را شامل شود. لذا سراغ پهنه‌هایی رفته‌اند که دارای پتانسیل اکوتوریسم‌اند (به لحاظ ویژگی‌های طبیعی) و از طرفی نیازهای شهری در آن اثر گذاشته است. از این رو هایقام و لوک، در چهار مورد بحث تفصیلی، موفقیت اکوتوریسم شهری را در این‌گونه موارد می‌دانند:

■ احیای بستر طبیعی: اراضی‌ای که قبلاً با انجام

ارائه شده است که او ایده اکوتوریسم شهری را با بررسی مختصری از ادبیات توسعه پایدار و اکوتوریسم و بررسی دو نمونه مطالعاتی شهرهای تورنتو (پروژه GTA) و منطقه مدولندز نیوجرسی^{۴۲}، راهبردهای دستیابی به اکوتوریسم شهری در خصوص شهر سئول کره جنوبی ارائه می‌دهد.

فرسلون (Freslon, 2010) نیز در گزارش خود در خصوص پروژه بزرگ اکوتوریسم شهری در پارک فراغت لاکدیمین^{۴۳} فرانسه، در بخش مبانی نظری چند پرسش در خصوص چرایی، امکان‌پذیری و فواید اکوتوریسم شهری مطرح می‌کند و برای توضیح آن متکی به مندرجات بیانیه کنفرانس اکوتوریسم شهری و دستاوردهای هایقام و لوک و با مروری سریع بر سایر نظریات در راستای تأیید نتایج پنج‌گانه هایقام و لوک برمی‌آید. وی نهایتاً با بیان اینکه اکوتوریسم شهری به منزله ابزار برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت محیط سکونت در شهر و ایجاد پایداری است و به‌منزله گزینه قابل جایگزین، برای گردشگری سبز و احیای مناطقی مانند مناطق صنعتی متروک است، چارچوب اکوتوریسم شهری (در سطوح ایده و اجرا) را عملی می‌داند و بحث خود را با بررسی نمونه اجرایی پارک فراغت لاکدیمین تدقیق می‌کند.

وو و همکاران فنی‌ترین تحلیل‌ها را در خصوص اکوتوریسم شهری انجام داده‌اند. آن‌ها طی یک مقاله تحلیلی - توصیفی حاصل از گزارش پروژه‌ای که با مرکز علوم ملی^{۴۴} تایوان داشته‌اند، با استفاده از منطق فازی، درصد فائق‌آمدن بر ابهامات در خصوص اکوتوریسم شهری برآمده‌اند. یافته‌های تحقیقشان نشان می‌دهد که در تحقق اکوتوریسم شهری شاخص‌های اقتصادی، نقش کمتری نسبت به شاخص‌های اجتماعی و محیطی دارند. در عین حال جایگاه مهم مشارکت اجتماعی برای به جریان انداختن اکوتوریسم شهری از نتایج کمی این مطالعه است. این مطالعه بر ارزیابی تطبیقی دو منطقه در تایوان تمرکز کرده است. یکی از این مناطق در محدوده شهری (در

همچنین، محدودیت الگوی سفرهای فصلی در اکوتوریسم شهری کمتر از سایر گرایش‌های طبیعت‌گردی است. اکوتوریسم شهری بیشتر تحت تأثیر فاکتورهای انسانی و سازمانی است تا پدیده‌های طبیعی که به واسطه فصل و اقلیم رخ می‌دهد. به این معنا که انجام یک سفر طبق الگوهای فصلی که اکوتوریسم سنتی بیشتر به آن متکی است، رخ نمی‌دهد و به واسطه نزدیکی در هر زمانی از سال می‌توان برای آن برنامه‌ریزی کرد لذا قابلیت مالی و اجرایی بیشتری برای دست‌اندرکاران اکوتوریسمی ایجاد می‌کند (همان).

■ تأثیرات اجتماعی: با توجه به مباحث مطرح‌شده فنل باید در نظر داشت که اکوتوریسم با جداکردن و بهره‌برداری از مناطق طبیعی دست‌نخورده و فرهنگ‌های مربوط به آن نواحی خطری را ایجاد می‌کند که همان تأثیرات اجتماعی منفی است. از این رو مقاصد اکوتوریسم شهری به دلیل تعاملات بیشتر با محیط شهری، دارای خطر تحولات و تأثیرات منفی کمتری نسبت به سناریویی است که فنل ترسیم کرده است (Fennel, 1999).

در عین حال که اکوتوریسم سنتی خود (نظیر مباحث بلامی)، شامل سفر به مقاصد دست‌نخورده و آلوده‌نشده است (Ceballos-Lascurain, 1987). با توجه به وضعیت شهر تورنتو (فعالیت‌های GTA) و مباحث مطرح‌شده هایقام و لوک (Higham & Lück, 2002) در خصوص موقعیت رخ‌دادن اکوتوریسم شهری و شرایط آن، می‌توان گفت که اکوتوریسم شهری تمرین حفاظت محیط‌زیست است و موجب ارتقای زندگی برای ساکنان شهر می‌شود (Je Seong, 2007). روند بررسی مفهوم اکوتوریسم شهری طی تحقیق روی نمونه‌های اجرایی پس از هایقام، از سوی جی سه‌انگ (Je Seong, 2007)

۴. اکوتوریسم شهری دارای مزایا و معایب خاص خود است.

در همین راستا نتایج تحقیق چیرگوین و هوقس (Chirgwin & Hughes, 1997) در استرالیا بسیار اهمیت دارد. این تحقیق نشان می‌دهد که در نظر طبیعت‌گردها ارزش «عرصه‌های غیرطبیعی»^{۴۵} با «مناطق طبیعی»^{۴۶} یکی است. نتایج این مطالعه اثبات می‌کند که ارزش یک ایده در محیط طبیعی^{۴۷} و محیطی که حسی از طبیعت^{۴۸} دارد به یکدیگر وابسته است. لذا اراضی اصلاح‌شده^{۴۹} اگر که به خوبی تمهید و مدیریت شوند، می‌توانند عرصه اکوتوریسمی قلمداد شوند و با ارائه هنرمندانه لذت‌ها (ی سفر) فرصت مشاهده تنوع زیستی را برای بازدیدکنندگان فراهم کنند (Higham & Lück, 2002). بنابراین، در تفکر اکوتوریسم شهری، اینکه منطقه‌ای بکر و خالی از وجود انسان باشد، تا آن را به‌منزله یک محیط طبیعی شناسایی کنیم، شاخص درستی نیست و محیط طبیعی چیزی فراتر از حضور یا نبود انسان در آن است (مانند مناطق روستایی در دل طبیعت) و این در حالی است که می‌دانیم طبیعت در دل شهر نیز جریان و وجود دارد (مانند حضور گونه‌های خاص جانوری در سطح شهر). از این رو برای بحث نهایی باید مطرح کرد که بنیان فکری اکوتوریسم شهری بر مبنای انگاره اکوتوریسم مطرح شده است و سعی می‌کند در نظریه و عمل به آن پاسخگو باشد و از این طریق خود به مثابه انگاره‌ای، در حد مبانی نظری، برای توسعه پایدار سکونتگاه‌های انسانی ضوابط تعیین کند. طبق نظر تمام اندیشمندان حوزه اکوتوریسم شهری که همگی مبتنی بر حداقل یک پروژه اجرایی است، از انگاره اکوتوریسم می‌توان به‌منزله یک ابزار کنترل و حفاظت از منابع طبیعی و جنبه‌ای از توسعه پایدار استفاده کرد. با این نگاه و تکیه به شاخص‌هایی که این افراد مطرح کرده‌اند، انگاره اکوتوریسم شهری بروز می‌یابد و خلاصه این انگاره را می‌توان در متن بیانیه پایانی کنفرانس اکوتوریسم شهری در سال ۲۰۰۴، یافت: «فرصتی پیش رو برای حفاظت تنوع

محدوده پایتخت) و دیگری خارج از حوزه شهرها و اصطلاحاً منطقه‌ای بکر در مرکز تایوان است (به‌منزله نمونه‌ای که منطبق بر الزامات اکوتوریسم سنتی است). تحقیق آن‌ها مبتنی بر ارزیابی و مقایسه این دو منطقه در به وقوع پیوستن شاخص‌های اکوتوریسم شهری و سنتی در آن مناطق بوده است. یافته‌های کمی پروژه نشان می‌دهند که مشخصاً تشخیص هویت به وسیله فرهنگ بومی (با بیشترین وزن ۷/۱۹ درصد) جایگاه نخست را در نظر بازدیدکنندگان تخصصی دارد. پس از آن «تمایلات حمایت از حفاظت محیط طبیعی» (با ۷/۰۶ درصد)، «تمکین محیط بومی» (با ۶/۸۲ درصد)، «پنج درجه برای تنوع زیستی» (با ۶/۵۸ درصد)، «تمایل به اکوتوریسم شهری» (با ۶/۰۵ درصد)، «پوشش سبز محیط» (با ۶/۳۶ درصد) قرار دارند. لذا با ارائه اعداد و ارقام نتیجه‌ای مهم می‌گیرند که عبارت است از اینکه کاربست اکوتوریسم شهری بر خلاف تصور پیش از اینکه به گسترش آفت‌های توسعه بینجامد، به کاهش آن توجه دارد. وقوع اعمال خلاف قانون در محدوده سنجش اکوتوریسم شهری و فشار تعداد گردشگری در آن بیشتر از مناطق بکر دوردست (که منطبق بر الزامات اکوتوریسم سنتی است) و در عوض حفاظت از تنوع زیستی در محدوده اکوتوریسم شهری بهتر عمل شده و دستیابی به شاخص‌های حفاظت در آن موفق‌تر بوده است. البته آن‌ها نهایتاً ذکر می‌کنند که تمام این موضوعات به نظر می‌رسد به واسطه دسترسی بهتر به مناطق بلافصل شهری است (Wu et al., 2010). تلاش وود و همکاران برای اثبات این بوده است که:

۱. اول نباید با دیدگاه بودن یا نبودن به موضوع اکوتوریسم شهری توجه کرد.
۲. اینکه عملاً مقوله اکوتوریسم شهری بر اساس منطق فازی عمل می‌کند.
۳. اکوتوریسم شهری وجود خارجی دارد، زیرا درصدد پاسخ به انگاره‌های اکوتوریسم است و به اصول اولیه اکوتوریسم سنتی دست می‌یابد.

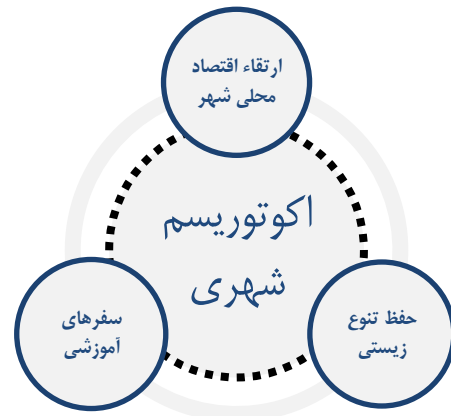
که سفرکردن وجه متمایز بین موضوع اکوتوریسم با سایر مباحث پایداری است، زیرا دیدگاه‌های محیطی و اقتصادی در سایر انگاره‌های پایداری مطرح است. نگاه به جامعه در انگاره اکوتوریسم مبتنی بر سفر کردن است. این سفر هم موضوعیت تجربه سفر را مطرح می‌کند و افزایش آگاهی بیشتر مردم جامعه نسبت به محیط پیرامون را در پی دارد. لذا با توجه به بحث انگاره‌ها و تشابه نظری بین شکل‌های ۲ و ۳، می‌توان مطرح کرد که چالش نظری ارائه‌شده در موضوع موجودیت اکوتوریسم شهری، پارادایم نوینی در این حوزه به حساب نمی‌آید و صرفاً گسترده‌شدن حوزه دانش است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، خاستگاه تعریف واژه اکوتوریسم در ادبیات گردشگری دهه شصت میلادی که در واقع پاسخ به تأثیرات «گردشگری انبوه» بر منابع طبیعی و سرمایه‌های اجتماعی بود، شرح داده و پس از آن جایگیری واژه اکوتوریسم در ادبیات توسعه پایدار دهه ۱۹۸۰ بررسی شد. مطرح شد که پاسخ به این پرسش که «شاخصه‌های اکوتوریسم چه می‌تواند باشد؟» چگونه انگاره‌ها، ایده‌ها و تعاریف مختلفی مبتنی بر حفظ طبیعت بکر تدوین کرد و به‌رغم دقت جامعه علمی در تعریف اکوتوریسم، پس از اواسط دهه نود میلادی اقدامات اجرایی برخی گروه‌های توسعه‌ای، چگونه به سرعت مفهوم اکوتوریسم را در بدو شکل‌گیری‌اش، به اکوتوریسم سنتی قلب معنا کرد و واژه جدید اکوتوریسم شهری پدیدار شد. واژه‌ای که سعی داشت از ضعف‌های نگرش سنتی به نفع نگرش جدید استفاده کند. باید اشاره کرد آنچه در بررسی ادبیات موضوع و مقایسه آن اهمیت دارد این نکته است که هر دو جنبه معنایی و نظریه‌های مطرح‌شده خاستگاه عملی^۵ دارند و مبتنی بر حوزه فعالیت اجرایی مبانی خود را تعریف می‌کنند.

با بررسی تطبیقی و تحلیلی، نشان داده شد که

محیط‌زیست و جوامع بشری که منتج به اشتغال‌زایی و ارتقای کیفیت زندگی (در یک محیط شهری) می‌شود» (Planeta, Urban Ecotourism Declaration, 2004). البته چهار شاخص مطرح در بیانیه اکوتوریسم شهری که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد برای تحقق این انگاره مهم‌اند. از این رو می‌توان نمودار شکل ۳ را تعریف کرد که اساساً این نمودار برگرفته از نظریات مطرح در حوزه اکوتوریسم شهری است و بر اساس تجربیات عملی این حوزه ارائه شده است.



شکل ۳. انگاره اکوتوریسم شهری (مأخذ: نگارندگان)

همان‌طور که مشاهده می‌شود این انگاره منطبق با انگاره اکوتوریسم سنتی شکل ۲ است. این تطابق به این معناست که موضوع اکوتوریسم در معنای سنتی و نوین (اکوتوریسم شهری) دارای اصالت است. این انگاره خود برگرفته از حوزه نظری و تجربی است و از طرفی پتانسیل گسترده‌شدن در همان حوزه نظری و تجربه را دارد. همان‌طور که در شکل بیان شده است این انگاره مبتنی بر سه نگرش و دیدگاه ارتقای اقتصاد محلی شهر، حفظ تنوع زیستی و سفرهای آموزشی است. دیدگاه اقتصادی در آن محلی‌گراست و به ارتقای اقتصاد بومی و بازگشت منفعت اقتصادی به همان جامعه منجر می‌شود. دیدگاه محیطی آن بر محور حفظ تنوع زیستی و ارزیابی اکولوژیکی و کم‌کردن اثر رفت و آمد در محیط مبتنی است. دیدگاه سوم هم مبتنی بر موضوع گردشگری است، نکته در این است

را در دفاع از اکوتوریسم سنتی یا شهری مطرح کرده‌اند. بداعت و نوآوری این مقاله در این بود که سعی در تحلیل چالش این دو نظریه صرفاً از دیدگاه نظری نظریه‌پردازان کرد. همچنین، پس از تبیین و ترسیم انگاره اکوتوریسم شهری از خلال مباحث صاحب‌نظران، بیان این نتیجه‌گیری است که هر دو حوزه معنایی یک انگاره مبنایی و مشترک دارند و در تلاش برای دستیابی به یک هدف مشترک اند، اما در این تلاش، زمینه عملیاتی متفاوتی را برگزیده‌اند.

در نهایت باید به این موضوع اشاره کرد که انگاره اکوتوریسم (در هر دو معنای خود) بیانگر این است که از آن می‌توان به‌منزله ابزار کنترل و حفاظت از منابع طبیعی و جنبه‌ای از توسعه پایدار استفاده کرد. این در حالی است که می‌دانیم «گردشگری» شاخه‌ای از صنعت به شمار می‌رود و بازدهی اقتصادی آن به‌منزله یکی از شاخص‌های توجیه‌پذیری بازار گردشگری مهم است، اما باید دقت کرد که این بازدهی لزوماً به معنای منفعت مالی نیست، بلکه نگاه امروز نگرشی دوراندیشانه به توسعه است و اینکه باید منابع محیط‌زیست را در بستر زمان و توسعه جمعیت بهره‌برداری کنیم. به عبارت دیگر، توسعه نباید صرفاً در معنای ساخت و ساز بیشتر و منفعت به معنای درآمد بیشتر تعریف شود. مسلماً یکی از جنبه‌های منفعت اقتصادی کسب سود است، اما جنبه مهم‌تر که با نگاه پایداری به آن توجه بیشتری می‌شود، کمتر هزینه‌کردن یا درست هزینه‌کردن منابع است. توسعه ما باید به گونه‌ای باشد که هزینه‌کردن را از منابع طبیعی به استفاده از ذخایر طبیعی برساند و برای آن‌ها برنامه، فکر و ایده تجدیدپذیری ارائه کرد. از این‌رو پناهگاه‌های حیات‌وحش، پارک‌های ملی، جنگلی و منطقه‌ای که در محدوده بلافصل آن‌ها، یک یا چند شهر متوسط و بزرگ قرار دارند، می‌توانند با دیدگاه اکوتوریسم شهری در اولویت برنامه‌ریزی قرار گیرند، به گونه‌ای که ساکنان آن شهرها (در سطح مدیران تا مردم عامه) برای حفظ آینده زیستی شهرشان (منفعت اقتصادی و زیستی) در تمام شئون زندگی خود در تلاش برای حفظ

بحث‌های صاحب‌نظران، چالشی نظری و اساسی در معنای اکوتوریسم به حساب می‌آیند. چالشی که در ظاهر برداشت کاملاً متضاد از یک واژه را نشان می‌دهد. گروهی حوزه عمل و تعریف اکوتوریسم را مناطق بکر طبیعی و دست‌نخورده می‌دانند و گروهی نظرشان روی حوزه وسیع‌تری از جمله محیط انسان‌ساخت و دست‌خورده است. تا جایی که گروه دوم، اکوتوریسمی که صرفاً مبتنی بر طبیعت بکر است را در جایگاه خود ممکن و شدنی و قابل قبول دانسته‌اند، اما واژه سنتی به آن اطلاق کرده‌اند و معناگرفتن اکوتوریسم در کنار مناطق شهری را به‌منزله گزینه جدید و ابزاری برای حفاظت هرچه بیشتر از اکولوژی شهری (سکونتگاه انسانی) می‌دانند.

با مقایسه دو ادبیات مطرح‌شده، نشان داده شد که اکوتوریسم یکی از شاخه‌های تخصصی «گردشگری مبتنی بر طبیعت» است و وجه متمایزکننده آن نسبت به سایر گرایش‌های گردشگری تکیه بر بحث «آموزش» است. پدیدارشدن موضوع اکوتوریسم در گفتگوهای تا دهه ۲۰۰۰ میلادی برگرفته از دیدگاه‌های انتقادی نسبت به توسعه و در نظر داشتن نگرش‌های پایداری و تمرکز بر مناطق بکر طبیعی است. از این رو در این مقاله بررسی تاریخی و مقایسه‌ای مبانی نظری مطرح‌شده از سوی هر دو گروه و استخراج انگاره اکوتوریسم بر اساس حوزه‌های اجرایی آن‌ها و متون مربوطه انجام شد. مهم‌ترین یافته مقاله نشان‌دادن این نکته است که ریشه‌های تفکر هر دو گروه مبتنی بر یک انگاره است و اساساً اکوتوریسم شهری در حوزه توسعه گردشگری پایدار به‌منزله یک پارادایم نوین مطرح نیست، بلکه گسترش حوزه تعریف و عملکرد یک اندیشه است.

این نکته نیز اهمیت دارد که چالش بین این دو نظریه که در این مقاله بررسی شده است بحث نوینی نیست. با مراجعه به مقالات، گزارش‌ها و کتاب‌های نگاشته‌شده، این موضوع واضح و مبرهن است که صاحب‌نظرها بر اساس حوزه عمل و حداقل یک پروژه اجرایی مبانی نظری خود

25. Barbados Conference
26. Action plan
27. Ecological Tourism
28. 1st International Symposium: Ecotourism. 17-19 April 1989. Merida, Yucatan, Mexico, and the 2nd International Symposium: Ecotourism and Resource Conservation, 27 November-2 December 1990, Miami Beach. Florida.
۲۹. The International Ecotourism Society (TIES): یک نهاد

غیردولتی (NGO) که در سال ۱۹۹۰ تأسیس می‌شود و هدف اولیه‌اش ارائه خدمات به تورگردان‌ها، افراد متخصص در حفاظت، متخصصان مدیریت مناطق حفاظت‌شده، محققان و راهنمایی افراد در این زمینه است.

30. International Union for Conservation of Nature
31. NGO: Non-Governmental Organization
32. health tourism
33. Adventure Tourism
34. Mass Ecotourism
35. Living Organism
36. fauna
37. natural behavior
38. natural process

۳۹. اکوتوریسم سنتی: این واژه همان‌طور که در مقاله بحث می‌شود به معنای اکوتوریسم در معنای اصیل آن است و پس از مطرح‌شدن اکوتوریسم شهری و مباحث انتقادهایی که در خصوص اکوتوریسم در معنای اصیل و معنای جدید آن مطرح شد، برخی نظریه‌پردازان از جمله هایقام و همکاران در مقاله مورد استناد این مقاله واژه «اکوتوریسم سنتی» را بر معنای اصیل آن وارد کرده‌اند.

40. Green Tourism Association (GTA)
41. naturalness
42. Meadowlands, New Jersey
43. Lac de Maine Leisure Park
44. National Science Council : NSC 96-2415-H-029-006-SS2
45. unnatural areas
46. highly natural
47. natural

۴۸. unnaturalness: محیطی که مصنوع نیست، اما غیرطبیعی و تغییر یافته از بستر طبیعی است.

49. modified areas
50. field

این منابع طبیعی و آلوده‌نکردن آن‌ها باشند. در واقع اکوتوریسم در هر دو حوزه، یعنی در قلب مناطق طبیعی و در شهرهای متصل به آن، مبتنی بر انگاره‌های خود یعنی «آموزش مردم محلی با انجام سفرهای آموزشی»، «ارتقای اقتصاد بومی و ارائه منفعت گردشگری به آن‌ها» و «حفاظت از منابع و تنوع زیستی و کاهش آثار منفی رفت و آمد» می‌تواند یکی از روش‌های دستیابی به توسعه پایدار باشد.

یادداشت‌ها

۱. انگاره در این مقاله در مقابل واژه انگلیسی Concept در نظر گرفته شده است.

2. limit on growth
3. Market
4. Boosterism
5. more is better
6. Mass tourism
7. Economic Approach
8. Marketing
9. Consumer Choice Theory
10. Growth Paradigm
11. Cautionary Perspective
12. Physical/Spatial Planning Tradition
۱۳. گردشگری نرم در معنای واژه Soft tourism قرار داده شده است. از نظر مفهومی این واژه را می‌توان به «گردشگری آرام» نیز تعبیر کرد.

14. Hard tourism
15. Brundtland Report
16. World Commission On Environment And Development
17. Our Common Future.
18. The Rio Earth Summit
19. Agenda 21
20. Sustainable Nature-Based Tourism Development
21. World Tourism Organisation (WTO)
22. Nature Based Tourism (NBT)
23. Cluster Issue

۲۴. Commission on Sustainable Development (CSD):

کمیسیون توسعه پایدار در سال ۱۹۹۲ برای کنترل و پیگیری مصوبات دستورکار ۲۱ از سوی دفتر امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد (ECOSOC) تشکیل شد.

منابع

- Blamey, R. 2001. Principles of Ecotourism. In D. B. Weaver, The Encyclopedia of Ecotourism, (pp. 5-22), London, UK: CABI Publishing.
- Butler, R. 1980. The Concept of a Tourism Area Cycle of Evolution: Implications for management of Resources , (pp. 5-12), Canadian Geographer, 24.

- Ceballos-Lascurian, H. 1991. Tourism, ecotourism and protected areas. In J. Kusier, *Ecotourism and Resource Conservation: A Collection of Papers* (pp. 24-30), NY: Berne.
- Ceballos-Lascurain, H. 1987. The future of ecotourism, (pp. 13-25), *Mexico Journal*.
- Chirgwin, S., and Hughes, K. 1997. Ecotourism: The participants' perceptions, (pp. 2-7), *Journal of Tourism Studies*, 8(2).
- Christoph, B., Hubert, J., & Witzel, A. 1996. *Tourismus und nachhaltige Entwicklung. Grundlagen und praktische Ansätze für den mitteleuropäischen Raum*. Darmstadt: Wissenschaftliche Buchgesellschaft.
- Doxey, G. 1975. A Causation Theory of Visitor-Resident Irritants, Methodology and Research Inferences. Sixth Annual Conference Proceedings of the Travel Research Association, (pp. 195-198), San Diego.
- TIES, 1990. The International Ecotourism Society official website, Retrieved from <http://www.ecotourism.org/what-is-ecotourism>, december 07, 2013.
- Fennel, A. 1999. *Ecotourism: An Introduction*, (p. 48), London: Routledge.
- Freslon, L. d. 2010. Urban Ecotourism - The Case of Lac de Maine Leisure Park. Hold in , March 07, Retrieved December 10, 2013, from [ecoclub](http://ecoclub.com/articles/305-urban-ecotourism-lac-de-maine): <http://ecoclub.com/articles/305-urban-ecotourism-lac-de-maine>.
- Getz, D. 1987. *Tourism Planning and Research: Traditions, Models and Futures*. Australian Travel Research Workshop, (p. 7), Bunbury, Western Australia.: November 5-6.
- Gibson, A., Dodds, R., Joppe, M., and Jamieson, B. (2003). Ecotourism in the city? Toronto's Green Tourism Association. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 15(6), (pp. 325-327), doi:10.1108/09596110310488168.
- Grenie, D., Kaae, B., Miller, M., & Mobley, R. 1993. Ecotourism, landscape architecture and urban planning, (pp. 1-16), *Landscape and urban planning*, 25.
- Harding, R. 1998. *Environmental Decision-making: the role of scientists, engineers and the public*, (p.18) Australia: The federation Press.
- Hetzer, N. 1965. *Environment, tourism. culture. renamed Ecosphere*.
- Higham, J., and Lück, M. 2002. Urban ecotourism: A contradiction in terms? *Journal of Ecotourism*, (pp. 36-51), doi:1472-4049/02/01 0036-16.
- Jafari, J. 1990. Research and Scholarship: The Basis of Tourism Education. *Journal of Tourism Studies*, 1(1), (pp. 33-41).
- Je Seong, O. 2007. *Urban Ecotourism:Applying Natural Ecological Resources to Tourism in Seoul, Korea*. College of Community and Public Affairs Binghamton University, (p. 7), New York:State University of NY.
- Jungk, R. 1980. *Wieviel Touristen pro Hektar Strand?*, (pp. 154-156), *GEO*, 5(10).
- Krippendorf, J. 1975. *Die Landschaftsfresser*. Bern, Stuttgart: Hallwag AG Bern.
- Krippendorf, J. 1984. *Die Ferienmenschen. Für ein neues Verständnis von Freizeit und Reisen*. München: Deutscher Taschenbuch Verlag GmbH & Co. KG.
- Krippendorf, J. 1985. *Für einen anderen Tourismus. Probleme -Perspektiven -Ratschläge*.Frankfort: Frankfort a.M.
- Kusler, J. 1991. Ecotourism and resource conservation:introduction to issues. In K. J.A., *Ecotourism and Resource Conservation A Collection of Paper* (pp. 2-8). NY: Berne.
- Lipscombe, N., and Thwaites, R. 2001. Education and Training. In D.B.Weaver, *The Encyclopedia of Ecotourism* (pp. 627-628). London, UK: CABI Publishing.
- Mathieson, A., and Wall, G. 1982. *Tourism:Economic, Physical and Social Impacts* (p. 7), Harlow: Longman Scientific and Technical.
- Miller, M., and Kaae, B. 1993. Coastal and marine ecotourism: a formula for sustainable development? *Trends*, 30(2), (pp. 35-41).
- Orams, M. 2001. Types of Ecotourism. In D. B. Weaver, *The Encyclopedia of Ecotourism* (pp. 23-36). London, Uk: CABI Publishing.
- Planeta. 2004. *Urban Ecotourism Declaration*. Retrieved december 16, 2013, from <http://www.planeta.com/ecotravel/tour/urbandeclaration.html>.

- Randall, A. 1987. Resource economics (Second Edition ed.) (p.13) New York, USA: John Wiley and Sons.
- Savignac, A. E. 1992. WTO presentation. Rio Earth Summit, Rio de Janeiro.
- Smith, V. 1978. Hosts and Guests: The Anthropology of Tourism. Oxford: Blackwell.
- Soleimanpour, H. 2006. Nature-Based Tourism: a Draft International Covenant (1st ed.). Tehran, Iran: CENESTA for IUCN/CEEP, (pp. 3- 24).
- Valentines, P. 1991. In P. Valentine, & M. M. Auyong (Ed.), Nature-based tourism: a review of prospects and problems (pp. 475-485). Newport, OR: National Coastal Resources Research & Development Institute.
- Weaver, D. B. 2001. Mass Tourism: Contradiction or Reality? The Cornell Hotel and Restaurant Administration Quarterly, 42(2), (pp. 104-112), doi:10.1016/S0010-8804(01)80022-7.
- White, J. 2003. Urban ecotourism: Recommendations for tourism development at the. Cockburn, Australia: Murdoch University, 6
- Wisansing, J. 2005. A Review of Marketing Ideas within the Evolution of Tourism Planning Thought (pp. 23-34), ABAC Journal, 25(2).
- Wood, M. E. 2002. Ecotourism: Principles, Practices & Policies For Sustainability, (pp. 9-10), Paris: UNEP.
- Wu, Y.Y., Wang, H.L., and Ho, Y.-F. 2010. Urban ecotourism: Defining and assessing dimensions using fuzzy number construction. Tourism Management, 31, (pp. 739-743). doi:10.1016/j.tourman.2009.07.014.